

## جنبش ملی آذربایجان، فرقه دموکرات آذربایجان و پیشه‌وری

جنبش ملی آذربایجان، فرقه دموکرات آذربایجان و پیشه‌وری\*  
المیرا مرادی

چندین سال پیش در یک مقطع زمانی که ناامیدی از همه چیز به جانم افتاده بود، به پیشنهاد دوستی عزیز و همت او که متخصص یافتن منابع اصیل و نایاب بود در همین جا این نوشته را به وی (ن. ن) تقدیم می‌کنم، سری کتاب‌هایی در مورد انقلاب مشروطیت، قیام افسران خراسان، جنبش ملی آذربایجان و فرقه دموکرات، جنبش ملی کردستان و دوره تاریخی 32-20 را مورد مطالعه قرار دادیم. گرچه این مطالعات نمی‌توانست که در شرایط سرکوب و نبود آزادی‌ها چندان کامل باشد، و در حقیقت منابع محدود بوداما ویژگی و لطف آن این بود که بعضی از آنها نوشته کسانی بود که خود جزئی از آن مرحله حساس تاریخی بودند. در پایان مطالعه یک دوره تاریخی، چیزی که ما را به افسوس و امیداشت و اشک از چشمانمان جاری می‌کرد، نه تنها از دست رفتن آن فرصت‌های تاریخی و قتل عام و کشتار بی رحمانه مبارزین این جنبش‌ها و مبارزات بود، بلکه مظلومیت این جنبش‌ها و مبارزین آن بود که نه تنها استبداد بشکل فیزیکی آنها را نابود کرده بود، بلکه با تلاشی بی وقفه سالهای سال پرده‌ای از افترا و بهتان بر آنها و مبارزات آنها کشیده بود.

در مقابل در آن شرایط سرکوب تلاش معدودی در کنار زدن پرده‌های ابهام و افترا از این جنبش‌ها شایان ذکر است. بهر صورت در سالهای اخیر به همت اساتید گرانقدری این مهم تا حدود زیادی انجام شده است و مردم عدالت‌خواه کشورمان این بار میتوانند به دور از تبلیغات مسموم دیکتاتوری‌های حاکم بر ایران، به نقاط قوت و ضعف این جنبش‌های ضد استبدادی و عدالت‌خواه آشنا شوند.

ضرورت برخورد و بازنگری در جنبش‌های مردمی در گذشته، از این جهت حائز اهمیت است که شیوه‌های دیکتاتوری و استبداد در سرکوب این جنبش‌ها در گذشته و حال، کمابیش یکسان می‌باشد. لذا تجربیات نیروهای مبارز دموکرات و آزادیخواه در گذشته، برای مبارزات ضد دیکتاتوری زمان حال، موثر باشد.

اصلاحات چی‌ها را در مواقع عادی ممکن نیست از آزادیخواهان حقیقی تمیز داد. اما در موقع پیش‌آمد مسائل جدی و مهم نمی‌توانند افکار خود را در پس پرده اختفاء مستور داشته و فوراً خود را معرفی می‌کنند. این‌ها هر چند ادعای آزادیخواهی می‌کنند و سنگ ملت پرستی به سینه می‌زنند، ولی حقیقتاً این‌طور که وانمود می‌کنند، نیستند. این‌ها ایمان به قوه قاهره ملت و انقلاب ندارند. ظاهراً از اوضاع ناراضی هستند. می‌گویند که باید وضعیت اصلاح بشود. لیکن این اصلاح را اولاً از صنف حاکمه انتظار دارند، ثانیاً نصیحت و تشویق را یگانه چاره دردها تصور می‌کنند. به خیال اینها ممکن است با دست طبقه ممتاز برای صنف‌های دیگر کار کرد.

خواننده این جملات ممکن است برایش باور کردنی نباشد که این فراز آگاهانه، با توجه به طراوتی که این کلمات در بطن خود دارند، نه از زبان یک نویسنده زمان حال، بلکه متعلق به مبارزی از سالهای دور می‌باشد. مبارزی که گویی جامعه کنونی ایران را تجربه می‌کند و بر اساس یک تجربه عینی از نیروهای تاثیرگذار در عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی کشور، این تحلیل را ارائه می‌دهد. این کلمات بر گرفته از ترجمه مقاله‌ای از سید جعفر پیشه‌وری در روزنامه حقیقت شماره 83 سال هزار و سیصد و ششمی تحت عنوان اصلاح طلبان واقعی درج شده است، می‌باشد.

صحبت از جعفر پیشه‌وری و فراز داهیانیه اش پیش‌آمد. گرچه در تاریخ معاصر کشورمان مبارزان فراوانی را داریم که دیدگاهها و نوشته‌هایشان از باب درک مشکلات توده‌های زحمتکش مردم و مبارزه برای آزادی و دموکراسی، همواره نو و با طراوت است، اما بعید می‌دانم که با این مبارزان چه از طرف استبداد و دیکتاتوری و چه از طرف نیروهای روشنفکر جامعه این چنین نا عادلانه و افترا آمیز و با قساوت برخورد شده باشد، که با جعفر پیشه‌وری و فرقه دموکرات و جنبش ملی آذربایجان شده است.

نمی شود از مسائل ملی صحبت به میان آورد ، اما از پیشه وری و جنبش ملی آذربایجان صحبت به میان نیلورد . مطلب کوتاهی که از اینجانب به مناسبت روز 21 آذر 1324 با عنوان " روز 21 آذر 1324 روز تشکیل حکومت عدالت خواهان ، 21 آذر 1325 روز پیروزی دیکتاتورها" درج شده بود ، البته که یک مقاله تحقیقی و تحلیلی پیرامون این جنبش بزرگ تاریخ معاصر کشورمان نبود ، بلکه در آنجا سعی شده بود ، گفته شود که باید با نگاهی واقع‌بینانه و بدون از تعصبات خشکی که نتیجه عملکرد تبلیغاتی دستگاه های ستم شاهی و ستم فقهانی است ، وارد مطالعه جدید در این عرصه شد . مطالعات جدید از جمله دسترسی وسیع به بعضی منابع اصلی و بی طرف که به همت بسیاری از اساتید ایرانی که در دانشگاههای داخل و خارج از ایران به تدریس مشغولند ، امکان پذیر شده است . اساتیدی که غالبا با شیوه های پژوهش تاریخی مدرن به خوبی آشنایی دارند . بکار گیری این روش ها که متکی به داده ها و منابع مادی و عینی بیشتری است که با استفاده از اسناد ، گزارشها ، روزنامه ها و مجلات و اسناد مربوط در مجالس و وزارت خانه ها و رجوع به گزارشات ماموران سفارت خانه های خارجی در آن مقاطع زمانی و مصاحبه های اختصاصی با افراد سرشناس آن وقایع بوده است ، چهره ویژه به این تحقیقات می دهد . گرچه این کند و کاوهای تاریخی از هر نوعش البته نمی تواند که پایان یافته تلقی شود . به قول مترجم گرانقدری " گوناگونی ، تفاوت و حتی تضاد در تحلیل ها و روایت های تاریخی ، مهمترین عامل در پویا و غنی تر شدن پژوهشهای تاریخی است و از لحاظ منطقی ، بازسازی یک مرحله ی تاریخی ، از جمله تاریخ اجتماعی ، نقطه ی (کمال و پایانی ندارد و هیچ مورخی نمی تواند پرونده ی یک دوره تاریخی را به بایگانی بسپارد" 1)

مسائل و دیدگاه هایی که پیرامون جنبش ملی آذربایجان در طی سالهای دهه ی 1320 موجود است ، مهمترین شان می توانند اینها باشد: ماهیت این جنبش و حرکت آن چه بوده است ؟ آیا این جنبش پشتیبانی توده ای داشته است؟ آیا این جنبش بر اساس توطئه ای برای جدا شدن آذربایجان از ایران شکل گرفته بود؟ آیا در برخورد با این جنبش همه ی نیروهای پیشرو و مترقی معاصرش و بعد از آن ، تجزیه و تحلیل درستی داشته اند؟

یک - برای کسانی که علاقه مند نیستند که مسایل و حوادث تاریخی یا جنبش های تاریخی را از نقطه نظر طبقاتی ببینند ، طبیعی است که جنبش ها پدیده های انتزاعی هستند ، که احتمالا در مقطعی از تاریخ به شکل در گیر های قومی و یا مذهبی یا حتی درگیری با قدرت حاکمه حادث میشود ، بعد هم پایان می یابند . اما در مقابل آموزش دیگری وجود دارد که تحولات اجتماعی را ناشی از درهم آمیزی عنصر زیر بنایی با عوامل روبنایی بشمار می آورد و توضیح می دهد . در این آموزش نقش عوامل اقتصادی در تحولات اجتماعی تعیین کننده و نهایی است ، گرچه نقش عوامل دیگر و آگاهی های انسانی بهیچ رو نادیده گرفته نمی شوند

در مورد آذربایجان و جنبش ملی طی سالهای 1324-1325 ، عده ای وقوع آن را صرفا در گرو " اشغال ایران توسط شوروی " امکان پذیر میدانستند . و خیلی که لطف داشته باشند مسئله را صرفا دستیابی به اهداف ناسیونالیستی ترک زبانها در آذربایجان تحلیل می کنند . دکتر حسین جودت می نویسد: " قبل از کودتای سوم اسفند 1299 و استقرار حکومت رضا شاه ، آذربایجان نظر به موقعیت جغرافیایی و وضع طبیعی خود یکی از استانهای آباد و پر ثروت ایران بود . در آذربایجان بزبان آذربایجانی روزنامه های متعدد انتشار می یافت ، در مدارس بزبان آذربایجانی تدریس میشد ، به زبان آذربایجانی نمایش داده می شد و مناسبات اقتصادی و بازرگانی با خارج از کشور رونق داشت . با تشکیل سلسله پهلوی آذربایجان سیر قهقرائی آغاز کرد ، استفاده از زبان مادری حتی در محاکم و خواندن و نوشتن به زبان مادری ممنوع گردید ، پیشرفت آموزش و پرورش محدود شد و از توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی آذربایجان جلوگیری بعمل آمد . مردم آذربایجان به انواع گوناگون مورد تحقیر قرار گرفتند و با آذربایجان که در گذشته چشم و چراغ ایران شمرده می شد ، مانند یک مستعمره رفتار کردند . ادارات دولتی را بدست کارمندان فارس زبان سپاردند که در میان آنان افراد فاسدی بودند که هرگونه ستمگری به مردم آذربایجان را مجاز می دانستند . به بهانه آنکه آذربایجان در مجاورت اتحاد شوروی قرار دارد ، از پیشرفت صنعت این استان بشدت جلوگیری میشد و علیه زحمتکشان ترور شدیدی بر قرار گردید . فقر سیاه و گرسنگی هزاران زحمتکش آذربایجانی را واداشت تا خانه و کاشانه خود را ترک کرده ، برای کسب لقمه نانی به تهران و دیگر شهرهای ایران روی آورند . " (دکتر حسین جودت: 21 آذر یک روز تاریخی در جنبش انقلابی ایران

جنبش ملی آذربایجان دارای مطالبات عمده ای بود. تبلور مطالبات جنبش ملی آذربایجان در بیانیه فرقه در شهریور 1324 منعکس است. این برنامه سیاسی خواستار خودمختاری فرهنگی و سیاسی برای مردم آذربایجان در چارچوب حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال ایران بود.

مفاد دیگر این برنامه سیاسی شامل اصلاحات دموکراتیک مترقی و تغییر اساسی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم آذربایجان بود، که در طول سلطنت رضا شاه مورد تبعیض و ستم ملی قرار گرفته بودند. این برنامه سیاسی با توجه به مشکلات فقر و تنگدستی توده های دهقانی و زحمتکشان شهری، خیلی زود مورد توجه مردم آذربایجان از هر طبقه و قشری قرار گرفت. گرچه نیروهای کمونیست از وزنه های اصلی فرقه دمکرات و جنبش بشمار می آیند، اما بنا به ترکیب این جنبش، که طبقات و قشر های مختلفی از مردم را در بر می گرفت، بیشتر از آنکه آنرا به یک حزب کمونیستی با اندیشه های مارکسیستی شبیه کند، آنرا به به یک جبهه ی وسیع که خواهان رفع ستم ملی، زبانی و قومی و در عین حال ضد دیکتاتوری و استبداد و حل مشکلات زحمتکشان و توده های دهقانی، تبدیل کرده بود. از جمله فعالیت های آنان بازسازی انجمن های ایالتی و ولایتی بود. یادگار و دستاوردی درخشان از گذشته پر بار و بزرگ فعالیت انقلابیون مشروطه. فعالینی که با فداکاری های خود و دادن بهای سنگین در مقابل استبداد حق تشکیل این انجمن ها را بدست آورده بودند. فرقه دمکرات آذربایجان خواستار آن بود که این انجمن ها بر اساس اصول دموکراتیک و با رای مردم انتخاب شوند، چنانکه همه مقامات اداری استان باید در اداره امور تابع این انجمن ها باشند.

اکنون بازگردیم به مقطع شهریور 1320 بعد از فروپاشی ساختار سیاسی و تشکیلاتی حکومت استبدادی رضا شاه که تضادهای طبقاتی میان فقرا و ثروتمندان جامعه را از پرده بیرون آورد. دکتر آبراهامیان مینویسد: "از نخستین سالهای پس از کناره گیری رضا شاه نمایندگان انگلیس و آمریکا مرتب هشدار می دادند که اختلاف میان فقرا و ثروتمندان امنیت ملی را به خطر انداخته و شرایط حادی در شهرها به وجود آورده است فشار و گرفتاری شدید توده های مردم از یکسو و ثروتمندتر شدن تجار و زمین داران از سوی دیگر، کیان اجتماع را تهدید می کند و نارضایتی طبقات پایین از کمبود شدید مواد غذایی، لباس، دارو و درمان و آموزش شاید به انقلابی خشنونت بار علیه طبقه ی حاکم بیانجامد..." "بیشتر مطالب مطبوعات ایران نیز به کشمکشهای طبقاتی مربوط می شد." (ایران بین دو انقلاب).

بنابراین شرایط برای بروز جنبش ها و حرکت های اجتماعی بیشتر از هر زمانی فراهم بود. جنبش ملی آذربایجان از همین فضای فقر و فاصله طبقاتی و ستم های مضاعف سر بیرون آورد. برای ما که آذربایجان را در تاریخ ایران در همه مراحل انقلابات و جنبش های آزادیخواهانه و ضد استبدادی جلودار دیده ایم، وقوع جنبش ملی به رهبری فرقه دمکرات نباید جای تعجب باشد. بنابراین بسیار ساده نگری است، آنطور که استبداد عنوان کرده است باور داشته باشیم که حضور ارتش شوروی در این نواحی انگیزه این جنبش ملی گردیده است و بدنبال این حضور جنبش آذربایجان قصد تجزیه آذربایجان را داشته است، گرچه این حضور در آن زمان تأثیراتی در محیط پیرامونی خود داشته است.

دو - در مورد اتهام تجزیه طلبی جنبش ملی آذربایجان و فرقه دمکرات و شخص پیشه وری، مدارک و شواهد در رد این اتهام گویایی کامل دارد. آذربایجانی ها غالباً به دلیل داشتن شخصیت های مبارز و تحصیل کرده متعدد که با معارف و علوم مختلف از قبیل علوم نظری و از آن جمله با سوسیالیسم آشنایی داشته اند، در تاریخ ایران مقام شامخی را دارا هستند. از این نظر طبیعی است که در مبارزات ضد استبدادی و دیکتاتوری و دفاع از منافع زحمتکشان در صفوف اول جا داشته باشند. پیشه وری یکی از این رهبران سیاسی مردم آذربایجان تحصیلات خود را در باکو به اتمام رساند و در تاسیس حزب عدالت شرکت داشت. او بعد از بازگشت به ایران و آوردن حزب به ایران به جنبش جنگل پیوست و در جمهوری گیلان به سمت وزیر کشور خدمت کرد. بعد از شکست جنبش از گیلان به تهران می رود و به همکاری در راه ایجاد اتحادیه های کارگری در تهران می پردازد. همزمان با نگارش مقالات در روزنامه حقیقت چاپ تهران به مبارزات خود علیه استبداد ادامه می داد.

بعد از تثبیت دیکتاتوری رضا شاه و تصویب قانون "ضد اشتراکی" در سال 1310، پیشه وری به همراه دیگر کمونیست ها دستگیر شده و تا 1320 در زندان به سربرد. او پس از آزادی از زندان با قلم زدن در جراید به

مبارزات خود ادامه داد و مسئله ملی در آذربایجان از جمله حیطه اصلی کار او گشت. زیرا که معتقد بود مبارزه اگر در نقطه ای به ثمر رسد، نسیم آن به نقاط دیگر پراکنده می شود و دیگر زحمتکشان از آن بهره خواهند گرفت. در سال 1324 بعد از آنکه از طرف مردم آذربایجان به عنوان نماینده مردم به مجلس شورای ملی فرستاده شد، و اعتبار نامه او و نماینده دیگر مردم تبریز توسط جناح اکثریت مجلس (که طرفداران پر و پا قرص سیاست های آمریکا و انگلیس بودند) رد شد، به آذربایجان بازگشت.

در این زمان جنبش ملی در آذربایجان در حال تکوین بوده و احساسات ضد حاکمیت استبدادی دولت مرکزی در این منطقه در غلیان بود. به نوشته دکتر پارسا بناب رد اعتبار نامه نمایندگان تبریز از طرف مجلس شورای ملی در تشدید این وضعیت کمک کرد. مخالفین این جنبش، همزمانی ورود ارتش شوروی در شمال غربی ایران را تنها عامل پیدایش این جنبش تبلیغ می کنند.

کنسول انگلیس در تبریز در آن زمان چه می گوید، آبراهامیان می نویسد: ”کنسول انگلیس در تبریز پس از یک بازدید کامل از منطقه ی شمال غرب در گزارش خود می نویسد: گرچه غیر قابل تصور است که این جنبش بتواند بدون حمایت روسها به نتیجه برسد و هر چند که روسها به دلیل اهداف خود از آن پشتیبانی می کنند، نمی توان انکار کرد که در بین کارگران و دهقانان این استان احساسی وجود دارد که من همیشه آن را خشم طبیعی نسبت به بی لیاقتی و فساد حکومت ایران قلمداد کرده ام و باز نمیتوان انکار کرد که بدبختی ها و بی عدالتی هایی وجود دارد که اگر در هر کشور دیگری بود به شورش خود انگیخته منجر می شد. نمی توانم باور کنم که این نهضت کاملاً کار روسها باشد. بلکه به نظر می رسد که آنها از یک وضعیت انقلابی واقعی بهره برداری می کنند. هر چند آنان مهاجران را به میان دهقانان فرستاده اند، اما دهقانان هم آماده ی همکاری بوده اند... اگر بخشی از ایران را به ناچار باید مشتت فرومایه و نادان اداره کنند، مردم آذربایجان به این نتیجه رسیده اند که نامزدهای محلی آنها می توانند به خوبی تهرانیها از عهده ی این کار برآیند.“ (ایران بین دو انقلاب)

کنسول آمریکا در تبریز پیش بینی میکند که این حرکت های مخالف شاید بدون حمایت های شوروی شکست بخورد ولی تاکید می کند که چنین جنبش هایی از حمایت وسیع مردمی برخوردار است و شکایات و ناراضیاتی های حقیقی از حکومت مرکزی را نشان می دهد. (همانجا). اما از اینها مهمتر، بیانیه فرقه دمکرات آذربایجان است که به زبان فارسی و ترکی در 12 شهریور 1324 صادر می شود. آنها اعلام می کنند آذربایجان یک ملت جداگانه است، اما در عین حال خود را بخشی از ایران میدانند. در اواسط مهرماه، فرقه دموکرات در اولین کنگره ی خود که در تبریز تشکیل شد، بار دیگر تمایل خود را مبنی بر ماندن در چارچوب ایران اعلام کرد.

از همه واضحتتر و بهتر خود پیشه وری در طی مقاله ای در شماره 212 به تاریخ دوم خرداد 1325 روزنامه حقیقت، در اوج قدرت جنبش ملی می نویسد که: ”ما همیشه گفته ایم و اکنون نیز صریحاً می گوئیم، ما بطور جدی به ایران و تمامیت ارضی آن علاقمندیم. اگر از طرفی خدشه ای به آن وارد شود شاید جدی تر و فداکارانه تر از ساکنان ایالت های دیگر ایران- برای جلوگیری از آن (خدشه) اقدام خواهیم کرد. با این حال هرگز حاضر نیستیم از دفاع از ملت، زبان و آداب و رسوم خصوصیتمان- بشرط آنکه کشورمان ایران را خدشه دار نکنند - صرف نظر کنیم. اینجا چیزی که مغایر با قانون و حاکمیت خلق های ایران باشد وجود ندارد. بر عکس اگر ما خود را با دست خودمان اداره کنیم شاید این امر بتواند به تکامل و تعالی ایران رشد بیشتری دهد. نهضت ملی مان دیگر از چارچوب ملی خارج شده و مقام پیشاهنگی جنبش دمکراتیک ایران را احراز کرده است. اکنون دیگر عموم مردم ایران شروع به درک این موضوع و معنای حقیقی آن کرده اند. گفتگوهای آغاز شده در تهران موجب روشن شدن ابهامات و سوء تفاهماتی که دشمنان ما به طریق و بهانه های گوناگون ایجاد کرده اند- گشته و حسن تفاهمی میان خلق آذربایجان و ایرانیان خارج از آن (خارج از آذربایجان) بوجود آورده است. این حسن تفاهمات علیرغم تلاشهای مذبحانه مرتجعین داخلی و خارجی روز به روز عمیقتر می گردد و نتایج مثبتی میدهد. در چنین شرایطی هیاهوی خارجیان و تلاش آنان برای تبدیل این مسئله ساده به یک مسئله جهانی، جز هدفی پنهانی علیه ایران چیز دیگری نمی تواند باشد. در این میان رادیوی ترکیه بیشتر از دیگران برای خرابکاری در روند ها حرارت به خرج می دهد. لحن این رادیو ما را جدا به فکر و می دارد. کسانی که تا دیروز از وارد کردن هیچ تهمت و افتزایی به ما ابا نمی کردند، امروز می کوشند با معرفی آذربایجان به عنوان یک دولت مستقل و با دروغ پردازی های گوناگونی درباره انتشار نهضت ما در سراسر ایران، افکار جهانیان را تیره سازند.

او سپس در همانجا ادامه می دهد: ”ما در همان روزهای آغاز جنبش دموکراتیک مان نوشته بودیم که: دهان ” افندی های عثمانی بیهوده آب نیفتد. از این نمد برای آنها کلاهی نمی شود. آذربایجان هر چه که بخواهد به شرط

ماندن در داخل ایران می خواهد. بالاخره ما به هر زبانی که سخن بگوییم، هر هدفی داشته باشیم بر اساس ایرانی بودن و ماندن در چارچوب ایران خواهد بود. هر اندازه که تفاهم میان ما و حکومت مرکزیمان بیشتر می گردد، اضطراب و نگرانی آنکارا شدت می گیرد. برخی خبرنگاران آمریکایی نیز چندان راضی به نظر نمی رسند. ما رابطه ای حقیقی میان رادیو آنکارا، مخبرین آمریکایی، حسین علاء و سخنان نماینده استرالیا در شورای امنیت احساس می کنیم، به نظر ما این رابطه تصادفی نیست. قطعاً همه اینها از سرچشمه واحدی آب می خورند و با آموزشهای مشاق(رهبر ارکستر) عمومی معینی است که این نغمه های ناسازگار را- که روز به روز شدت می گیرد- سر داده اند

و البته آن طرف مرز، در باکو، اختلافات پیشه وری با باقراف گویا در زمان تبعید فرقه ای ها هم پایانی نداشت. ” باقراف در جلسه ای در حضور آنان از ایشان انتقاد کرده و علت شکست جنبش را این عنوان می کند که آنها به اندازه کافی روی وحدت با آذربایجان شوروی تکیه نکرده اند. پیشه وری(2) در پاسخ به نظر باقراف گفت: بر خلاف نظر رفیق باقراف، بزرگترین اشتباه ما عدم توجه به وحدت مبارزه ی مردم آذربایجان با مردم سایر نقاط ایران بود.” (دکتر پارساناب: تحلیلی از پیدایش، گسترش و شکست فرقه دموکرات آذربایجان و دولت خودمختار آذربایجان در سالهای 24-25 نشریه راه کارگر

منبع دریافت سلاح های فرقه دموکرات، روس ها بودند، که به این ترتیب جنبش توانست قیام در آذربایجان را هدایت نماید. <ایرال> در مورد نحوه ارائه کمک روسها به جنبش و همینطور دیدگاه عموم مردم در مورد روس و انگلیس به این نکات توجه کنید. ” گرچه در بیان کمک شوروی گفته شده است که شوروی ها بنا بدلایلی که خودشان بهتر می دانند، تجهیزات نظامی اندکی به فرقه دادند. در حالی که آمریکاییان ارتش شاهنشاهی را به کامیونها و، تانکها و سلاح های سنگین مجهز کرده بودند، روسها چیزی بیشتر از تفنگهای معمولی، سلاح های دستی و سبک به حکومت تبریز نداده بودند. کنسول انگلیس می نویسد که ” روسها ساز و برگ نظامی چندان در اختیار ارتش آذربایجان قرار نداده اند” (ایران بین دو انقلاب). مسئله دیگر اینکه ” اکثریت وسیع طبقه ی روشنفکر، بریتانیا را بسیار خطرناکتر از روسیه می دانستند. زیرا انگلیس منبع درآمد اصلی کشور(نفت) را در اختیار داشت، بر پایگاههای نظامی عراق و خلیج فارس مسلط بود و پشتیبان سید ضیاء دشمن منفور روشنفکران بود.

دوم، در گذشته ملی گرایان مخالف ائتلاف با یک قدرت خارجی علیه قدرت دیگر نبودند. در جریان تحریم تنباکوی سال 1280، قیام کنندگان می خواستند روسیه در برابر انگلیس از آنها پشتیبانی کند و در انقلاب مشروطه هم، انقلابیون در برابر روسها از انگلیس ها کمک گرفته بودند. پس، نشانه ی یک ناسیونالیست راستین این بود که چه هنگام و از کدام قدرت خارجی کمک بخواهد و نه رد هر گونه کمک خارجی سوم، بیشتر روشنفکرانی که تحلیل مارکسیستی امپریالیسم را پذیرفته بودند، عقیده داشتند که بریتانیا دارای اقتصاد سرمایه داری برای یافتن امکانات سرمایه گذاری در خارج توسعه طلب است، ولی شوروی سوسیالیستی، دیگر گرایشهای امپریالیستی نخواهد داشت

چهارم، اصلاح گرایان، اتحاد شوروی را پشتیبان اصلی تغییرات رادیکال و انگلیس را طرفدار عمده ی طبقه ی بالای زمین دار به ویژه روسای قبایل مناطق جنوبی می دانستند. ” و در انتهای این بخش به گزارش دیگری از دیپلمات آمریکایی، جی. موس توجه کنید که در تاریخ 19 نوامبر 1941 یعنی پس از ورود نیروهای شوروی در ایران، به واشنگتن ارسال گشته است: ”نیروهای شوروی پس از اندکی مغالزه ی سیاسی با ناراضیان محلی، از میزان علاقه ی راستین اکثریت مردم نسبت به تشکیل یک آذربایجان خودمختار کاسته اند.” (ایران بین دو انقلاب) هر چند دولت مرکزی، با کمک شوروی دوباره بر تبریز مسلط شد، سازمانها و روزنامه های محلی همچنان به تحریک آذربایجانی ها علیه تهران ادامه دادند و از نارضایتی آنها پشتیبانی کردند یک ناظر دیگر آمریکایی گزارش می دهد: ” اگر شورویها می خواستند، می توانستند یک شبه با استفاده از (نارضایتی عمومی یک حکومت دست نشانده در آذربایجان بر سر کار آورند” (همانجا

سه - در زمینه مشکلات زبانی ملیت ها در آن زمان حتی بسیاری از نیروهای روشنفکر جامعه و اهل قلم هم در این زمینه از حقوق دمکراتیک خلق های ایران نه تنها حمایت نمی کردند بلکه با آن نیز به مخالفت می پرداختند. <ایرال> در این زمینه دکتر پارسا بناب مینویسد: ” شایان توجه است که در این دوره یعنی زمانی که دموکراتها در آذربایجان برای خودمختاری مبارزه می کردند اکثر رهبران حزب توده نیز با جنبش آذربایجان یا

مخالفت کرده و یا اساساً به مسئله ملیتها و اصل ” حق تعیین سرنوشت ملی ” به عنوان یک امر تاکتیکی و غیر عمده برخورد می کردند.

البته بر خلاف این نظر، می توان گفت که در این زمینه اتفاق نظر در میان حزب توده ایران وجود نداشته است و این اختلافات دیدگاهی در موضع گیری نسبت به حمایت از جنبش آذربایجان و فرقه دموکرات در مواردی در نشریات وابسته به حزب تجلی پیدا کرده است. بعنوان مثال روزنامه ظفر به سردبیری رضا روستا از جنبش آذربایجان دفاع می کرده است. این در حالیست که بسیاری از اعضای حزب توده در منطقه در خدمت جنبش ملی آذربایجان با فرقه دموکرات همکاری می کردند. شاید بتوان ادعا کرد که مجموعه تفکرات حزب توده حداقل در سالهایی که جنبش در حال فعالیت بود، در تائید کامل جنبش نبود.

دکتر تقی ارانی بزرگ مرد تاریخ ایران و شخصیت والای جهان سوسیالیسم، که بعنوان پدر فکری اندیشه های حزب توده شناخته می شود، بکارگیری زبان واحد و مشترک را مد نظر داشته است. ” نخستین رهبران حزب توده که مارکسیست های فارسی زبان تهرانی بودند به نادیده گرفتن و حتی بی اعتنایی به خواستها و شکایات اقلیتهای زبانی گرایش داشتند. ارانی، بنیانگذار فکری- معنوی حزب نمونه ی خوبی بود. وی که متولد تبریز ولی بزرگ شده تهران بود، مانند بیشتر روشنفکران نسل خود از سیاست تمرکز و ایرانی کردن سرسختانه پشتیبانی می کرد. ارانی طی مقاله ای درباره ی آذربایجان، استدلال کرده است که آذربایجان ” گاهواره ی ایران ” زبان فارسی را در اثر ” تهاجم مغولهای وحشی ” از دست داده است. وی (ارانی) هشدار میدهد که این مسئله موقعیت خطرناکی به وجود می آورد، زیرا برخی از آذربایجانی ها بر این تصور نادرست بودند که ترک هستند و حتی به گرایشهای جدایی طلبانه دامن می زدند. ارانی بر این نکته پافشاری می کند که برای حل این مشکل دولت باید از هر کار ممکن برای از بین بردن زبان ترکی و گسترش فارسی کوتاهی نکند. ” ... ” گرچه مریدان ارانی کاملاً با دیدگاههای وی نسبت به آذربایجان موافق نبودند، به هیچ وجه علاقه ی چندانی به شکایات و نارضایتی های (اقلیتهای زبانی و منطقه ای نداشتند. ” ( ایران بین دو انقلاب: پروانده ابراهامیان

البته وضعیت در بین روشنفکران غیر توده ای متفاوت تر نبوده است. دکتر پارسا بناب مینویسد که: ” علاوه بر اکثریت رهبران حزبی، از روشنفکران و دانشمندان سرشناس غیر حزبی که در خارج از حزب توده به عنوان عناصر ” رادیکال ” و ” مترقی ” معروف شده بودند نیز به مخالفت با جنبش آذربایجان پرداخته و از حقوق ملی و دموکراتیک مردم آذربایجان دفاع نمی کردند و یا موضع میانه اخذ کرده و ادعا می کردند که پیشرفت های اجتماعی به ویژه در زمینه تعلیم و تربیت و صنعتی کردن کشور لازمه اش ” وحدت ملی ” ( داشتن یک فرهنگ مشترک و زبان مشترک) است. پرویز خانلری سردبیر مجله معروف سخن، ملک الشعرا ی بهار و عباس اقبال مورخ مشهور، احمد کسروی همگی با جنبش خودمختاری آذربایجان مخالفت کرده و حتی ادعا می کردند که زبان آذری ترکی در واقع یک زبان مستقل از زبان فارسی نیست بلکه ” لهجه ” است و اگر هم زبان محسوب شود یک ” زبان عقب افتاده و بیگانه بوده و توسط مغول ها بر مردم آذربایجان تحمیل گشته است

علیرغم صداهای مخالف از هر سو در مخالفت با حق استفاده ملل و اقوام ایرانی در آموزش و استفاده از زبان مادری زاد و بوم خود، پیشه وری معتقد بود که تا زمانی که یک سازمان سیاسی از حق ملیت ها و از مبارزات آنها علیه ستم ملی پشتیبانی نکند، یک حزب واقعی با پایگاه توده ای نخواهد بود.

بنظر می آید مبارزات ملل ساکن ایران در این جهت (رفع ستم ملی- زبانی- فرهنگی) در طی سالهای اخیر محک و تایید خوبی بر دیدگاه های فرقه دموکرات آذربایجان و شخص پیشه وری و جنبش ملی آذربایجان زده است.

این مقاله در ماه دسامبر 2003 در سایت ها درج شده بود\*

پانویس:

مترجمان کتاب ایران بین دو انقلاب - 1

” طبق گزارش پرویز همایون پور در کتاب ” مسئله آذربایجان- 2

در این یادداشت ها از وبلاگ 21 آذر جهت آوردن فزازهایی از مقالات پیشه وری استفاده شده است. آدرس -3  
وبلاگ:

<http://21-azer.blogspot.com/>  
[Elmira2211@yahoo.ca](mailto:Elmira2211@yahoo.ca)

<http://www.kitablar.com>